

معیارهای عدالت توزیعی

مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های جان راولز و شهید مطهری

وهاب قلیچ*

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش: ۸۹/۰۶/۲۸

چکیده

جان راولز از بزرگترین فلاسفه سیاسی در حوزه عدالت اجتماعی و شهید مرتضی مطهری از بزرگترین متفکرین اسلام‌شناس قرن بیستم می‌باشند. گرچه هیچ یک از این دو اندیشمند به نام یک اقتصاددان معروف نمی‌باشند، اما در آثار آنان می‌توان معیارهای قابل تأملی را برای توزیع عادلانه اقتصادی پیدا نمود. راولز معتقد بود که توزیع امکانات اولیه به خصوص آزادی‌های اساسی باید به طور برابر صورت گیرد. وی نابرابری‌های توزیعی را به دو شرط دریافت به میزان تلاش مشاغل و توزیع به نفع پائین‌ترین طبقات مورد پذیرش می‌دانست. از سوی دیگر شهید مطهری نظام توزیع در سه مرحله توزیع برابر امکانات اولیه، توزیع متناسب با استحقاق افراد در درآمد به وجود آمده و بازتوزیع دارائی‌ها به منظور ایجاد توازن اجتماعی را مطرح نموده‌اند. فرادینی بودن ذات عدالت، توزیع مساوی امکانات اولیه، توزیع به میزان استحقاق افراد و توجه به طبقه ضعیف جامعه از مهمترین نقاط تشابه و منشأ مشروعیت عدالت، نقش بازتوزیع اقتصادی و نیز مفهوم آزادی‌ها از مهمترین نقاط تمایز در بین دیدگاه‌های این دو متفکر معاصر می‌باشد.

واژگان کلیدی

راولز، شهید مطهری، توزیع اقتصادی، عدالت، استحقاق، آزادی

* دانشجوی دکتری رشته اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی بانک

مقدمه

از میان انواع عدالت، عدالت سیاسی، عدالت قضائی، عدالت اخلاقی، عدالت اداری، آنچه برای ما از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است عدالت اقتصادی می‌باشد. چرا که این نوع عدالت، زمینه‌ساز انواع دیگر عدالت است. امروزه پایه‌ای‌ترین موضوع اقتصاد هنجاری^۱ موضوع عدالت اقتصادی است که یکی از مهمترین بخش‌های آنرا، عدالت توزیعی در بر می‌گیرد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که عدالت اقتصادی که گاهی با عدالت توزیعی یکی انگاشته می‌شود هم اصلی‌ترین بخش عدالت است و هم محوری‌ترین بخش اقتصاد هنجاری (عیوضلو، ۱۳۸۴، صص ۸۵-۸۴).

جان راولز^۲ در جهان علم بیشتر از آنکه به عنوان یک اقتصاددان معروف باشد یک فیلسوف بزرگ سیاسی نام گرفته است. از سوی دیگر در بین متفکران اسلامی شهید مرتضی مطهری نیز، بیشتر از آنکه یک اقتصاددان باشد، یکی از بزرگترین اسلام‌شناسان معاصر بوده است. فهم و درک کامل آثار این دو متفکر بزرگ و صاحب نام معاصر هر یک در حوزه تخصصی خود امری نه چندان آسان می‌باشد. در بین آثار این دو اندیشمند، می‌توان مباحثی را حول عدالت اقتصادی پیدا نمود که از آن اصولی را برای نحوه توزیع اقتصادی استخراج کرد. در این مقاله که کمتر سابقه مشابهی برای آن یافت شده است، سعی می‌شود فارغ از مباحث متفرقه، تنها بر روی مسئله توزیع عادلانه اقتصادی از نگاه جان راولز و شهید مرتضی مطهری متمرکز شویم و نقاط مشابه و متمایز آنرا به طور مقایسه‌ای مورد شناسائی قرار دهیم.

۱. ادبیات موضوع و سابقه بحث

از آنجا که جان راولز و مطهری از بزرگترین متفکران معاصر در حوزه‌های تخصصی خود هستند، طبیعی است که تا امروز مقالات و کتب فراوانی در زمینه شرح و تفسیر افکار این دو دانشمند به قلم تحریر درآمده باشد. از جمله مهمترین ادبیات موجود در این زمینه می‌توان به توسلی (۱۳۷۶)، مرامی (۱۳۷۸)، فولادوند (۱۳۸۱)، غرایان زندی (۱۳۸۱)، افروغ (۱۳۸۲)، دادگر (۱۳۸۳ و ۱۳۸۸)، محمودی (۱۳۸۳)، واعظی (۱۳۸۴)، اخوان کاظمی (۱۳۸۴)، صیادنژاد (۱۳۸۵) اشاره داشت.

این پژوهش‌ها که به بررسی افکار و آراء جان راولز و یا استاد مطهری پرداخته‌اند، هیچ یک با نگاهی تطبیقی هر دو دسته آراء را توأمان با هم مورد مطالعه قرار نداده‌اند. در این بین اصغری (۱۳۸۱) به بررسی مسئله عدالت از دیدگاه جان راولز و شهید مطهری توأمان با یکدیگر پرداخته است، که البته این تحقیق مرتبط با مقوله عدالت توزیعی و معیارهای آن نبوده و ایشان با توجه به اصولی چون آزادی، دموکراسی و عمل به قوانین که برخاسته از حقوق واقعی انسان‌هاست، بیشتر پایه‌های عدالت اجتماعی در اندیشه‌های جان راولز و استاد مطهری را مورد کاوش قرار داده است. در مجموع می‌توان اذعان داشت غالب ادبیات موجود در این زمینه به دیدگاه این دو متفکر در مباحث عدالت اجتماعی در شاخه علوم اجتماعی و فلسفه و آن هم به طور مجزا برای هر یک پرداخته و کمتر به افکار آنان به طور تطبیقی در باب معیارها و مبانی عدالت توزیعی در شاخه علوم اقتصادی اشاره شده است. از اینرو بررسی تطبیقی آراء و اندیشه‌های جان راولز و استاد مطهری در مورد معیارهای عدالت توزیعی نوآوری پژوهش حاضر را شکل داده است.

۲. دسته‌بندی‌های نظریات عدالت اقتصادی در ادبیات اقتصاد متعارف

یک دسته‌بندی، دسته‌بندی براین بری^۳ در کتاب نظریات عدالت اجتماعی است که دو دسته را معرفی می‌کند: یک دسته نظریات بی‌طرفی و دسته دوم، نظریات منفعت متقابل است. بر اساس دسته اول، وضعیت اقتصادی‌ای عادلانه است که قواعد و اصول آن بی‌طرفانه باشد. بر اساس دسته دوم، وضعیت اقتصادی‌ای عادلانه است که تمامی طرف‌ها از قاعده اقتصادی، موجود، نفع ببرند (Bojer, 2003, p.10).

دسته‌بندی دیگر سه جریان مهم را در نظریات عدالت اقتصادی برجسته می‌کند: آزادی‌گرائی^۴، قراردادگرائی^۵ و مطلوبیت‌گرائی^۶. در این تقسیم‌بندی، نوزیک^۷ نماینده جریان آزادی‌گرائی، راولز نماینده قراردادگرائی جدید و هارسانی^۸ نماینده و احیاگر مطلوبیت‌گرائی جدید معرفی می‌شوند (Hochman & Brosio, 1998, p.19).

دسته‌بندی دیگر سه رویکرد را برای عدالت اقتصادی قائل است (خاندوزی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۴). نظریات آزادی‌گرایی، به عنوان شاخص‌ترین نظریات مبتنی بر مسیر،

در برابر محدودیت‌های آزادی فردی و رقابت و مالکیت، به شدت مقاومت از خود نشان می‌دهد و در مقابل از دولت می‌خواهد که از نقش پاسبان شبگرد پا فراتر نگذارد. این دسته، هیچ سهمی را برای سیاست‌های بازتوزیعی ثروت و درآمد قائل نیستند. اینان بر این باورند که برای تحقق عدالت، باید رویه‌های اقتصادی را آزاد و رقابتی بگذاریم (Hochman & Brosio, 1998, P.51). از آنجا که هایک^۹ و فریدمن^{۱۰} عمدتاً به اصول اقتصادی و وجه عمل‌گرایان آن پرداخته‌اند، پس می‌توان آنان را در رویکرد نتیجه محور جای داد. رفاه‌گرایی شامل تمامی نظریاتی است که به دنبال ارزیابی موقعیت عمومی یک جامعه از جمله توزیع درآمد افراد آن است (Hochman & Brosio, 1998, p.19). نظریه رفاه‌گرایان به دو دسته نظریه مساوات‌گرایی و نظریه مطلوبیت‌گرایی تقسیم می‌شود. دسته اول، عدالت رفاهی را در وضعیتی می‌داند که نتیجه نظام اقتصادی، برابری برخورداری افراد جامعه باشد، دسته دوم نیز اینرا برای وقتی می‌داند که مجموع مطلوبیت افراد به بالاترین سطح خود برسد. رویکرد ترکیبی نیز از هر دو رویکرد قبلی نشأت گرفته است.

دسته‌بندی دیگر که از جامعیت نسبی خوبی برخوردارست توسط جیمز کانو^{۱۱} انجام پذیرفته است. او چهار دسته کلی را برای نظریات عدالت اقتصادی بیان می‌کند (Konow, 2003, pp.1188-1239). دسته اول برابری و نیاز است. این دسته دغدغه رفاه پایین‌ترین طبقه جامعه را دارد و طبق اصل نیاز که به دنبال ارضای برابر نیازهای اولیه است، شکل گرفته است. این دسته نظریاتی چون تساوی طلبی، قرارداد اجتماعی (راولز) و مارکسیسم را شامل می‌شود.

دسته دوم مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه است که این دسته بر نتیجه و عاقبت تأکید داشته و قرابت خاصی با اصل کارآمدی که از حداکثرسازی مازاد دفاع می‌کند، دارد. نظریات مطلوبیت‌گرایی، اصول پاراتو، عدالت به معنای حداکثرسازی ثروت^{۱۲}، وضعیت خالی از رشک^{۱۳} و حسادت در این دسته جای می‌گیرند. دسته سوم یعنی انصاف و استحقاق بر اساس تناسب و مسئولیت فردی بوده و شامل نظریه انصاف، نظریه استحقاق و نظریه رابرت نوزیک می‌باشد. و در نهایت دسته چهارم نیز موقعیت و زمینه است که نگاهی مشروط به عدالت دارد و آنرا یک فرمول ثابت برای همه جوامع

نمی‌داند بلکه معتقد است بنابر شرایط اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی در هر جامعه، عدالت یک معنا و مفهوم خاصی دارد. عدالت یک مفهوم بسته نیست بلکه مفهومی وابسته به شرایط و حالات است. این حرف بدین معنا نیست که عدالت، اصول مبنائی ندارد بلکه بدین معناست که اصول عدالت براساس ویژگی‌های افراد و متغیرهای کلان در هر جامعه شکل می‌گیرد. نظریات کانمان^{۱۴} و نتسچ^{۱۵} و تیلر^{۱۶} همچنین دانشمندان عدالت محلی، نظریه والزر^{۱۷} و نظریه خالی از سرزنش^{۱۸} در این دسته جای می‌گیرد.

۳. عدالت توزیعی از دیدگاه جان راولز (۲۰۰۲-۱۹۲۱.م)

جان راولز فیلسوف آمریکائی در سال ۱۹۲۱ میلادی در بالتیمور به دنیا آمد و تحصیلات خود را در رشته فلسفه دانشگاه پرینستون آغاز کرد. پس از تحصیل، برای مدتی در همان دانشگاه، سپس دانشگاه آکسفورد، و نیز دانشگاه کرنل به بحث و مطالعه و تدریس پرداخت و از سال ۱۹۷۶ به دانشگاه هاروارد تغییر مکان داد و تا آخر عمر در آنجا ماند. راولز با ارائه مفهومی از عدالت اجتماعی بر پایه‌های آزادی، به شهرت رسید. او که از مکتب لیبرالیسم برخاسته بود تمام دوران فعالیت فکری خود را در راه تدوین و تکمیل نظریه‌ای در باب عدالت نمود که با موازین و پایه‌های لیبرالیسم سنخیت داشته باشد. راولز توانست با تأثیری که از آرای جان لاک، روسو گرفته بود، یکی از مهمترین نظریات را در باب عدالت پایه‌ریزی نماید و با الهام از نظریات کانت، اخلاق را در دل عدالت جای دهد. راولز با محور قرار دادن اصول لیبرالیستی، نظریه قرارداد اجتماعی را بنا نمود و توانست با طرح آن در کتاب «یک نظریه در باب عدالت»، سازشی با ظرافت هر چه بیشتر مابین آزادی و برابری بوجود آورد.

البته راولز در دو زمینه از مسیر کلی لیبرالیسم فاصله می‌گیرد. اول آنکه آزادی را به دو دسته آزادی اساسی همچون آزادی اندیشه و بیان و آزادی غیر اساسی همچون آزادی اقتصادی بخش می‌نماید و بر اساس جریان حاکم، جواز محدودیت آزادی‌های غیراساسی را صادر می‌نماید؛ دوم آنکه نظریات خود را از لیبرالیسم بر پایه ارزش عدالت استوار می‌سازد (دادگر و آرمان مهر، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

در عدالت اجتماعی دو نگرش متفاوت وجود دارد. در نگرش اول با نگاهی محدود، تنها به عدالت اقتصادی توجه شده و جنبه‌های دیگر عدالت به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ اما در نگرش دوم با نگاهی وسیع‌تر به سایر شئون اجتماعی عدالت نیز بها داده می‌شود. راولز مهمترین متفکری است که با نگرش دوم، نظریه عدالت را مبتنی بر ساختارهای اساسی جامعه مطرح نموده است (دادگر و آرمان مهر، ۱۳۸۸، صص ۵۵-۵۶). هدف ایده‌آل راولز، تحقق جامعه‌ای موزون و متعادل است. جامعه‌ای که در آن سهم هر یک از افراد از خیر و منفعت به واسطه نهاده شدن مفهوم عدالت مبتنی بر آزادی‌های برابر، توزیع می‌گردد. روش راولز این است که بیان می‌دارد وقتی فکر ما در پی مباحث اصلی مرتبط با عدالت است و در صدد آنیم که به قواعدی دست یابیم که ساختار بنیادین یک جامعه عادل از آن درست شده است، باید جمعی از افراد را در نظر آوریم که در وضعیت اولیه^{۱۹} قرار دارند، مثلاً به نوعی بیماری دچار شده‌اند که نمی‌دانند چه کسی هستند و به تعبیر راولز با یک پرده جهالت^{۲۰} از شخصیت‌های خود جدا شده‌اند.

در پس این پرده، طرف‌ها اجازه پیدا نمی‌کنند که از موقعیت‌های اجتماعی یا آموزه‌ای جامع خاص خود آگاه شوند. آن‌ها همچنین از نژاد، قومیت، جنسیت یا مواهب فطری مثل قدرت و هوش خود چیزی نمی‌دانند (راولز، ۱۳۸۳، ص ۴۲). راولز این اشخاص را اشخاصی جعلی دانسته که صرفاً در ابزار بازنمایی ما وجود دارند و در بازی تجربه فکری ما نقشی را بر عهده گرفته‌اند (راولز، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷). او معتقد است آنچه که این افراد با این شرایط در این وضعیت اولیه بر روی آن توافق می‌کنند تا یک قانون اساسی شکل بگیرد، بیانگر عدالت است. نکته قابل توجه آنست که این دسته از افراد اصول واقعی عدالت را استنتاج نمی‌کنند بلکه تنها آنان را از میان سایر بدیل‌های ممکن انتخاب می‌کنند.

این افراد بر سر دو اصل به توافق خواهند رسید؛ اصل اول آنکه توزیع آزادی‌های اساسی باید بگونه‌ای باشد که همه افراد در بالاترین حد از بهره‌گیری برابر، برخوردار باشند. این آزادی‌ها تا حدی است که منافاتی با آزادی دیگری نداشته باشد. این معنای عام از عدالت است که مترادف با انصاف است که مستلزم توزیع برابر همه کالاهای

اولیه اجتماعی می‌باشد و به نوعی قاعده‌ای را برای نظام توزیع عادلانه بیان می‌دارد. اما نکته مهم در این اصل آنست که، هرکسی باید حقی برابر، نسبت به آزادی‌های بنیادین داشته باشد و به هیچ طریق نمی‌توان این آزادی را به دلیل خیر و منفعت بیشتر اعضای جامعه محدود کرد.

اصل دوم این است که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی تحمل نمی‌شود مگر اینکه دو شرط برقرار باشد: نخست آنکه، این نابرابری‌ها باید مختص به مناصب و مشاغلی باشد که تحت شرایط برابری عادلانه کلیه فرصت‌ها، باب آن برای همگان گشوده شده است. دوم آنکه منافی به حال پایین‌ترین سطح جامعه که فقرا باشند، داشته باشد. این اصل که به اصل تفاوت^{۲۱} معروف است، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را در صورتی می‌پذیرد که بیشترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه به همراه داشته باشند (راولز، ۱۳۸۳، ص ۸۴). محروم‌ترین افراد در ساده‌ترین شکل اصل تفاوت، کسانی‌اند که در آزادی‌های اساسی برابر و فرصت‌های منصفانه با دیگر شهروندان سهمیم هستند ولی کمترین درآمد ثروت را دارا می‌باشند (راولز، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴). این دو اصل با یکدیگر مرتبط می‌باشند و اصل اول بر دوم رجحان دارد. یعنی اگر محدودیت‌های سیاسی به نفع فقیرترین طبقه جامعه باشد این کار ناپسند قلمداد می‌شود چرا که تا وقتی اصل اول به طور کامل محقق نشده باشد، اصل دوم اجرا نخواهد شد (مگی، ۱۳۷۴، صص ۳۸۷-۳۸۵).

نظر راولز در مورد عدالت توزیعی به ساخت جامعه و نهادهای درون آن معطوف است. نهادهای اجتماعی شیوه توزیع منابع را معین می‌کند و قواعد تعیین حقوق، مزایا و انباشت سرمایه را در بردارند. در نظر وی، عدالت صرفاً به رفاه فردی انسان گره خورده است برخلاف نظریه مطلوبیت گرایان که ملاک را حداکثر شدن مطلوبیت کل افراد می‌دانند. راولز با اشاره به مثال برده‌داری می‌گوید در نظریه مطلوبیت گرایان اگر مطلوبیت کل در پی برده‌داری حداکثر باشد، آنان آنرا ناعادلانه نمی‌دانند، اما طبق قرارداد اجتماعی اگر از همان برده پرسیده شود که آیا این نظام ناعادلانه است یا خیر، مسلماً خواهد گفت خیر.

راولز خوشبین است که عدالت به مثابه انصاف می‌تواند وفاداری اولیه را در جامعه نسبت به خویش جلب کند و ابتدا به یک توافق موقتی نائل آید و سپس آرام آرام به سوی یک اجتماع گسترده برود و به ثبات برسد. البته راولز در پس این امید که در بخش پایانی کتاب عدالت به مثابه انصاف تحت عنوان «مسئله ثبات» بدان اشاره می‌کند، یک نگرانی را هم بیان می‌دارد. او می‌گوید آیا حس مردمی که در جامعه بسامان حاصل از آن دو اصل، پرورش می‌یابند آنقدر شدید و مؤثر است که به طور معمول آرایش‌های عادلانه را بپذیرند و از چیزهای دیگر مثل حسادت و غرض اجتماعی یا میل به سلطه یا گرایش به تسلیم و انقیاد متأثر نشوند؟ (راولز، ۱۳۸۳، ص ۳۰۰). از اینرو تمامی نظریات عدالت به مثابه انصاف با این ایراد مواجه‌اند که چه التزامی به رعایت عدالت توزیعی و برابری بنیادی اشخاص وجود دارد؟

۴. عدالت توزیعی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸)

تعبیر و تعاریف استاد مطهری در خصوص عدالت، به حق یکی از قویترین و کاربردی‌ترین بیانات در این زمینه می‌باشد. در نگاه ایشان، عدالت چیزی نیست که با وضع قانون یا توافق جمعی یا رواج و شیوع آن در عُرف جاری جامعه، ارزش و اعتبار یافته باشد. منشأ و مبدأ مشروعیت عدالت خود ذات عدالت است نه یک قرارداد و یا توافق اجتماعی و بشری. به بیان دیگر مردم دارای یک رشته حقوق واقعی قطع نظر از فرامین شارع مقدس هستند و عدالت یعنی رعایت و حفظ همین حقوق واقعی؛ و اسلام به حقیقت بیانگر آن حقوق و اجراکننده اصل عدالت می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۹، صص ۴۳-۴۰ و ۷۰-۶۴). علاوه بر این استاد شهید بر خلاف خیلی از متفکرین دیگر همانند سید قطب که عدالت را امری درون دینی می‌دانستند، برای عدالت شأن فرادینی قائل بوده و آنرا در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات دانسته‌اند (مطهری، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴). در یک تجمیع مناسب باید بیان داشت که شهید مطهری چهار معنی و یا چهار مورد استعمال برای کلمه عدل بیان می‌کنند که سه مورد ابتدائی مربوط به عدالت توزیعی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۲- الف، صص ۶۰-۵۴).

۴-۱. موزون بودن

اگر یک اجتماع بخواهد باقی و برقرار بماند باید متعادل باشد یعنی هر چیزی در آن به قدر لازم (نه به قدر مساوی) وجود داشته باشد. از جهت تعادل اجتماعی، بایستی میزان احتیاجات ارزیابی شود و متناسب با آن احتیاجات، بودجه و نیرو مصرف گردد. نقطه مقابل عدل بدین معنی، بی‌تناسبی است نه ظلم و جهان هستی سراسر آراسته به این تعادل و موزونی می‌باشد.

۴-۲. تساوی و نفی هرگونه تبعیض

مساوات به معنای برابری مطلق نیست چرا که برابری مطلق در اقتصاد، تبدیل به ظلم می‌شود. پس اگر عدالت را به معنای مساوات بگیریم و مساوات را به معنای برابری مطلق این اولاً شدنی نیست. ثانیاً ظلم و تجاوز است و عدالت نیست. ثالثاً اجتماع خراب‌کن است، زیرا در نظام طبیعت خدادادی میان انسان‌ها تفاوت و تمایز وجود دارد. این اختلاف سطح‌ها و تفاوت‌هاست که حرکت‌ها را بوجود آورده است و مایه جذب انسان‌ها به همدیگر شده است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۰۹). بنابراین مفهوم عدالت بدین معنا نیست که همه مردم از همه نظر در یک حد و مرتبه باشند. جامعه خود بخود مقامات و درجات دارد و باید تقسیم‌بندی شود و راه منحصر آن آزاد گذاشتن افراد و زمینه مسابقه را فراهم کردن برای آنان است.

مساوات یعنی امکانات مساوی برای همه، میدان مسابقه یکسان برای همه، تا اگر کسی همت والاتری داشت بتواند به کمال لایق برسد. آنچه که باید سریعاً حذف شود ناهمواری‌ها و پستی‌ها و بلندی‌ها و بالا و پائین‌ها و تبعیض‌هایی است که منشأ آن غالباً سنت‌ها و عادات و یا زورگوئی و ظلم‌ورزی می‌باشد. در مساوات نبایست هیچ ملاحظه شخصی در کار باشد. همه باید از این نظر، با هم مساوی باشند (مطهری، ۱۳۶۹، صص ۹۱-۸۷).

۳-۴. رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی حق به او

ظلم در برابر این معنا از عدل است. ظلم یعنی پایمال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران، این عدالت متکی بر دو چیز است، یکی حقوق و اولویت‌ها یعنی افراد بشر نسبت به هم و در مقایسه با یکدیگر، نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کنند مثلاً کسی که با کار خود محصولی تولید می‌کند طبعاً نوعی اولویت نسبت به آن محصول پیدا می‌کند. دوم، خصوصیت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده است که در کارهای خود الزاماً نوعی از اندیشه‌ها که آن‌ها را اندیشه اعتباری می‌نامیم، استخدام می‌کند و با استفاده از آنان به مقاصد طبیعی خود نائل می‌آید. این اندیشه‌ها یک سلسله اندیشه‌های انشائی است که با باید و نبایدها مشخص می‌شوند.

افراد بشر در دنیا براساس خلقت خودشان و فعالیت‌هایی که می‌کنند و استعدادهایی که از خود نشان می‌دهند «استحقاق» می‌یابند. عدالت یعنی اینکه به قدر استحقاق هر کسی به او داده شود اگر این قدر به او داده نشود این ظلم است و اگر بین دو نفر در شرایط مساوی، به یکی موهبتی داده شود و از دیگری دریغ شود این تبعیض است (مطهری، ۱۳۷۶، صص ۲۵۴-۲۵۳؛ مطهری، ۱۴۲۰ق.، ص ۱۵۲).

۴-۴. رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد

این مورد که کمتر جنبه اقتصادی دارد بیان می‌کند که، موجودات در نظام هستی از لحاظ قابلیت‌ها و امکان فیض‌گیری از مبدأ هستی با یکدیگر متفاوتند. خداوند متعال به هر موجودی آنچه را که برای او ممکن است از وجود و کمال وجود، اعطا می‌کند و امساک نمی‌نماید. از اینرو عدل خداوند عبارتست از فیض عام و بخشش گسترده در مورد همه موجوداتی که امکان هستی یا کمال در هستی دارند، بدون هیچگونه امساک و یا تبعیض.

با این تعاریفی که از کلمه عدل توسط استاد مطهری بیان شد، می‌توان یک قاعده توزیعی را استخراج نمود؛ یکی در حوزه منابع اولیه و عوامل تولید، که باید در اختیار همگان باشد تا که مورد فعالیت و بهره‌برداری قرار گرفته و در جهت عمران و آبادانی

صرف شوند (مطهری، ۱۴۲۰ق.، ص ۱۶۲). دوم در حوزه مبادله و تولید ارزش است. انسان باید به مقداری که کاری روی شیئی انجام می‌دهد مالک محصول آن کار شود (مطهری، ۱۴۲۰ق.، ص ۱۸۸) و تکالیف و زحمتی که به مردم تحمیل می‌شود باید متناسب با حق و بهره‌ای باشد که آنان می‌برند.^{۲۲} «من له الغنم علیه الغرم» یعنی هر که بهره و استفاده چیزی متعلق به اوست خسارت و مخارج آن هم با اوست (مطهری، ۱۴۲۰ق.، صص ۱۵۷-۱۵۶) و سوم آنکه نباید وضعیت جامعه از یک حد توازن و مساوات خارج شود و بایست با کمک از ابزارهای باز توزیع تعادل و توازن نسبی را در جامعه برقرار ساخت.

۵. مقایسه تطبیقی دو دیدگاه

نظام توزیع اقتصادی، از سه بخش مهم تشکیل شده است. وضعیت موجود در قبل از توزیع باید متضمن برابری آزادی‌ها و امکانات اولیه باشد؛ در توزیع، باید نسبت‌های توزیعی بر حسب شایستگی و انصاف و استحقاق باشد و هرکس بنا بر لیاقت و مشارکتش در تولید، سهم‌بری داشته باشد؛ و سوم آنکه پس از توزیع اگر عده‌ای بنابر ضعف‌های خدادادی و طبیعی و حتی موانع غیرطبیعی و دست‌ساز بشر در سطح معیشتی نازل‌تری نسبت به باقی افراد جامعه قرار گرفتند بایستی با استفاده از باز توزیع، به کمک آنان شتافت و یک تعادل و توازن نسبی را در سطح عمومی حکمفرما نمود (قلیچ، ۱۳۸۹، صص ۹۷-۸۵).

در میان دیدگاه‌های راولز و شهید مطهری در چندین باب تشابه نسبی و در چندین جا نیز تفاوت دیده می‌شود. اینکه از کلمه نسبی برای نقاط تشابه استفاده می‌نمائیم بدین منظور است که شاخه‌های افکار این دو اندیشمند لزوماً برخاسته از یک موطن و ریشه واحد نمی‌باشد. آرای راولز بیشتر وابسته به اصول لیبرالیسمی بوده و آرای شهید مطهری منبعث از اصول اسلامی می‌باشد. تفاوت ماهوی در بنیان‌های ارزشی این دو نفر موجب آن می‌گردد که ما برای نقاط تشابه از لفظ نسبی بهره بگیریم.

۱-۵. مهمترین نقاط تشابه نسبی دو دیدگاه

۱-۱-۵. فرادینی بودن ذات عدالت

عدالت توزیعی در نظر راولز یک مفهوم فرادینی است و به هیچ عنوان آنرا از آموزه‌های دینی برداشت نمی‌نماید. او بیان می‌دارد: «قبول ملزومات عدالت به مثابه انصاف، مستلزم هیچ دیدگاه جامع خاصی نیست و ایده‌های بنیادین آن در فرهنگ سیاسی عمومی وجود دارند و از آن گرفته می‌شوند. این ویژگی امکان می‌دهد که دیدگاه‌های جامع متفاوت این برداشت را تأیید نمایند. این دیدگاه‌ها عبارتند از آموزه‌های دینی و آموزه‌های فلسفی لیبرال گوناگون ...» (راولز، ۱۳۸۳، ص ۶۷)؛ در جای دیگر می‌افزاید: «تقریب سهم مناسب شهروندان از کالاهای اولیه به خیر آنان را هیچ آموزه مذهبی، فلسفی یا اخلاقی جامع خاصی مشخص نمی‌گرداند؛ حتی باورهای مشترک برخی از این آموزه‌ها درباره خیر (جامع) ما در این امر نقشی ندارند» (راولز، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷).

این موضوع در آرای شهید مطهری هم به نوع دیگری مطرح است. ایشان بر خلاف سید قطب که عدالت را امری درون دینی می‌دانست، برای آن شأن فرادینی قائل بوده و بیان می‌دارد: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود، عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات. نه آنچه دین گفته عدل است، بلکه آنچه عدل است را دین بیان کرده است» (مطهری، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴). بدین معنا که عدل حاکم بر احکام است نه تابع احکام، عدل اسلامی نیست بلکه اسلام، عادلانه است.

اما در همین نقطه تشابه یک تفاوت بزرگ نیز به چشم می‌آید. راولز به دین نگاهی متفاوت از شهید مطهری دارد. وی در کتاب لیبرالیسم سیاسی که در سال ۱۹۹۳ میلادی آنرا منتشر ساخته بیان می‌دارد که چگونه ممکن است اجتماع عادلانه و باثباتی وجود داشته باشد که شهروندان آزاد و برابر آن به واسطه آموزه‌های دینی، فلسفی و اخلاقی متضاد و بلکه قیاس‌ناپذیر عمیقاً دچار اشتقاق شوند؟ همچنین در کتب عدالت به مثابه انصاف، پس از آنکه می‌گوید «هیچ یک از آموزه‌های دینی، فلسفی یا اخلاقی کاملاً یا نسبتاً جامع را نمی‌توان به صورت برداشت سیاسی از عدالت توزیعی بکار برد»، در

ادامه می‌افزاید «علاوه بر این، چنین آموزه‌ای با توجه به اهداف زندگی سیاسی، واقعی یا عملی نخواهد بود» (راولز، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱).

۵-۱-۲. توزیع مساوی امکانات اولیه

راولز به توزیع برابر همه امکانات اولیه اجتماعی معتقد بود و هرگونه تبعیض در این مرحله را مردود می‌دانست. از نظر او امکانات اولیه هر آن چیزی است که هر انسان معقولی مسلماً نیازمند و خواهان اوست. این امکانات شامل درآمد، ثروت، آزادی، اختیار، حقوق قانونی نسبت به مقام‌ها و منصب مسئولیت‌دار و... می‌شود و تاکید راولز بیش از همه بر روی آزادی‌های اساسی متمرکز می‌باشد (دادگر و پاسبانی صومعه، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱).

او موافق این مطلب است که همگان باید از فرصت منصفانه دستیابی به امکانات اولیه بهره‌مند باشند. «آنانی که استعدادها و توانایی‌های یکسان و اشتیاق یکسان به کاربرد این مواهب دارند باید چشم‌اندازهای موفقیت یکسان داشته باشند، فارغ از طبقه اجتماعی خاستگاهشان، طبقه‌ای که در آن متولد می‌شوند و تا بلوغ عقلانی در آن پرورش می‌یابند» (راولز، ۱۳۸۳، ص ۸). این نگاه در معنای دوم بیان شده از کلمه عدل از نگاه استاد مطهری نیز به چشم می‌آید. استاد در این معنا، امکانات مساوی برای همه را بسان میدان مسابقه یکسان برای همه می‌دانسته‌اند.

۵-۱-۳. توزیع به میزان استحقاق و تلاش افراد

راولز در شرط اول از اصل دوم خود بیان می‌داشت که، نابرابری‌های توزیعی باید مختص به مناصب و مشاغلی باشد که تحت شرایط برابری عادلانه کلیه فرصت‌ها، باب آن برای همگان گشوده شده است و هرکس بنا بر فعالیت خود یک برتری نسبی را در مقایسه با دیگران برای خود فراهم آورد. این قسم از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی قابل تحمل می‌باشد.

راولز معتقد است، اینکه چگونه باید دسته مفروضی از کالاها را بین افراد گوناگونی که به هیچ عنوان در تولید کالاها همکاری نکرده‌اند، توزیع کنیم، یک مسئله

عدالت تخصیصی^{۳۳} است که به علت ناسازگاری با ایده بنیادین سازمان‌دهی‌کننده عدالت به مثابه انصاف، رد می‌گردد. «توجه داشته باشید که به هیچ وجه نمی‌توان در مورد توزیع‌های خاص فارغ از دعاوی (حقوق) افراد قضاوت کرد، دعاوی‌ای که حاصل کار و کوشش آنان در نظام همکاری منصفانه‌ای است که این توزیع‌ها را بوجود می‌آورد... (همچنین) غیر از نهادهای زمینه‌ای و حقوق ناشی از مشارکت واقعی در رویه، هیچ معیاری برای توزیع عادلانه وجود ندارد» (راولز، ۱۳۸۳، صص ۹۴-۹۳). استاد مطهری نیز چنین استحقاقی را در معنای سوم از کلمه عدل بیان داشته‌اند.

۵-۱-۴. توجه به طبقه ضعیف و فقیر جامعه

راولز در شرط دوم از اصل دوم خود، بیان می‌دارد که اگر منافع نابرابری‌ها به حال پایین‌ترین سطح جامعه که فقرا باشند، این نابرابری‌ها قابل تحمل هستند. همچنین او پس از آنکه نظریه خود را دیدگاهی برابرطلبانه بر می‌شمارد، می‌گوید «در غیاب اوضاع و احوالی خاص، به نظر نادرست می‌رسد که عده‌ای یا بخش عمده‌ای از جامعه در ناز و نعمت غوطه‌ور باشند، در حالیکه عده زیادی، یا حتی عده کمی، با مشکلات شدیدی، صرفنظر از گرسنگی و بیماری‌های قابل درمان، دست و پنجه نرم می‌کنند. نیازهای اضطراری دیگران برآورده نمی‌شود در حالیکه نیازهای کمتر اضطراری دیگران برآورده می‌گردد» (راولز، ۱۳۸۳، صص ۲۱۴-۲۱۳). شهید مطهری نیز در معنای اول از عدل هنگامی که لزوم رعایت توازن اجتماعی در توزیع اقتصادی را گوشزد می‌نماید، اهمیت رسیدگی و توجه به قشر آسیب‌پذیر اجتماع را نیز یادآور می‌شود.

۵-۲. مهمترین نقاط تمایز دو دیدگاه

۵-۲-۱. منشأ مشروعیت عدالت

راولز بیان می‌دارد که آنچه که افراد در یک وضعیت اولیه و در پرده‌ای از جهالت بر روی آن توافق می‌کنند تا یک قانون اساسی شکل بگیرد، بیانگر عدالت است. به عبارتی افراد با انتخاب‌های خود در فضائی عاری از پیش‌داوری‌ها به عدالت اعتبار می‌بخشند. حال آنکه در نظر استاد مطهری، منشأ و مبدأ مشروعیت عدالت خود ذات عدالت است

نه یک قرارداد و یا توافق اجتماعی و بشری و دین اسلام مولفه‌های آنرا بیان نموده و انسان‌ها می‌توانند برای شناخت آن از آموزه‌های دینی بهره‌گیری نمود.

۲-۲-۵. جامعه هدف

اینکه اصول توزیع عادلانه اقتصادی برای کدام جامعه طرح‌ریزی و قانون‌بندی می‌شود در شکل‌گیری خود اصول بسیار موثر می‌باشد. راولز صریحاً جامعه هدف نظریه عدالت خود را بیان می‌دارد. او می‌گوید: «عدالت به مثابه انصاف برای جامعه دموکراتیک طراحی می‌شود» (راولز، ۱۳۸۳، ص ۷۹). جامعه دموکراتیک در نظر راولز جامعه‌ای است که نظام منصفانه همکاری اجتماعی میان شهروندان آزاد و برابر، تحت مفروضات لیبرالیستی برقرار باشد.

این در حالی است که جامعه هدف در نگاه استاد مطهری جدا از جوامع لیبرال دموکرات می‌باشد و این قوانین اسلامی است که چارچوبی را برای عدالت توزیعی در مرحله اجرا مشخص می‌گرداند. به عبارت دیگر این تفاوت دیدگاه، بیشتر خود را در قوانین لازم‌الاجرا نشان می‌دهد. مثلاً در مرحله توزیع میانی بر حسب مقدار تلاش و کوشش اشخاص، در قوانین اسلامی لزوم برقراری مالیت شرعی در کنار مالیت عرفی نیز مطرح است. بدین معنا که فعالیت‌هایی که قوانین و ضوابط اسلامی آنان را ممنوع نموده است، هیچگونه حقی را برای عامل آن در مرحله توزیع اقتصادی دارائی‌های حاصل آمده ایجاد نمی‌نماید. به عنوان مثال اگر فردی با زحمت شرابی را ساخته باشد، در عین حالی که متقبل زحمت برای تولید کالایی شده است اما به علت فقدان مالیت شرعی شراب هیچ نوع درآمدی برای این فرد در جامعه اسلامی قابل تحقق نخواهد بود. بنابراین ملاحظه می‌گردد که تفاوت جامعه هدف برای پی‌ریزی اصول توزیع عادلانه اقتصادی، موجب ایجاد تفاوت‌های قابل توجهی در مرحله توزیع می‌شود.

۳-۲-۵. نقش بازتوزیع اقتصادی

آنچه از آثار راولز نتیجه می‌شود آنست که وی نسبت به طبقه محروم جامعه حساس بوده است و در اصل دوم خود به صراحت این حساسیت را نشان داده است. اما به

ظاهر در مرحله بازتوزیع، سهمی معلوم را برای آنان مقرر نمی‌دارد. وی در جایی بیان می‌دارد: «وقتی ساختار اساسی را موضوع اصلی فرض می‌کنیم، می‌توانیم عدالت توزیعی را نمونه‌ای از عدالت رویه‌ای محض بدانیم؛ آنگاه که همه از قواعد عموماً به رسمیت شناخته شده همکاری تبعیت کنند، توزیع خاصی که حاصل می‌گردد عادلانه به شمار می‌آید، حال آن توزیع هرچه می‌خواهد باشد. این امر به ما اجازه می‌دهد که از پیچیدگی‌های شدید مبادلات بیشمار زندگی روزمره دوری گزینیم و نیازی به ردیابی موقعیت‌های نسبی متغیر افراد خاص نداشته باشیم» (راولز، ۱۳۸۳، ص ۹۹).

در حالیکه استاد مطهری بر اساس آموزه‌های دینی و مباحث مربوط به خمس، زکات، انفاق و... یک سهم لازم را در اموال اغنیاء برای طبقه فقیر جامعه در قالب باز توزیع اقتصادی واجب دانسته و این مورد را یکی از معیارهای توزیع عادلانه اقتصادی برمی‌شمارد.

۵-۲-۴. مفهوم آزادی‌ها

راولز در اصل اول اصول دوگانه مورد توافق افراد حاضر در وضعیت اولیه، بیان می‌کند که هر شخصی به طرحی کاملاً کافی از آزادی‌های اساسی برابر که با طرح مشابهی از آزادی‌ها برای همگان همساز باشد، حق لغو ناشدنی یکسان دارد. سپس این اصل را دارای تقدم برمی‌شمارد (راولز، ۱۳۸۳، ص ۸۴). راولز آزادی‌های اساسی برابر که در شکل‌گیری معیارهای توزیع اقتصادی نیز نقش‌آفرین می‌باشند را شامل موارد، آزادی اندیشه و وجدان، آزادی‌های سیاسی، آزادی اجتماع و حقوق و آزادی‌های حاصل از آزادی و تمامیت و یکپارچگی (جسمی و روانی) شخص و سرانجام آزادی‌ها و حقوق تحت پوشش حکومت قانون برمی‌شمارد (راولز، ۱۳۸۳، ص ۸۶).

حال آنکه مفهوم آزادی مشروع در نگاه شهید مطهری چیز دیگری می‌باشد. ایشان که بیشتر مبحث آزادی معنوی را یادآور می‌شود، برای ابعاد گوناگون آزادی حیطه‌ای تحت قوانین الهی را قائل شده و ریشه تقدس آزادی را در نقشی که در پیمودن مسیر کمال و رشد معنوی دارد، می‌داند (مطهری، ۱۳۸۲-ب، صص ۴۱-۱۵). از آنجا که تعریف و مفهوم آزادی و اولویت‌بندی ابعاد آن اثرات مهمی را در استخراج قوانین و

معیارهای توزیع اقتصادی برجای می‌گذارد، ما می‌توانیم یکی از نقاط تفاوت دیدگاه راولز و شهید مطهری را در همین مفهوم منبسط از آزادی، قلمداد نمائیم.

جمع‌بندی

جان راولز از بزرگترین فلاسفه سیاسی در حوزه عدالت اجتماعی و شهید مرتضی مطهری از بزرگترین متفکرین اسلام‌شناس قرن بیستم می‌باشند. گرچه هیچ‌یک از این دو اندیشمند به نام یک اقتصاددان معروف نمی‌باشند، اما در آثار آنان می‌توان معیارهای قابل تأملی را برای توزیع عادلانه اقتصادی پیدا نمود.

راولز معتقد بود که توزیع کالاهای اولیه به خصوص آزادی‌های اساسی باید به طور برابر صورت گیرد. وی نابرابری‌های توزیعی را به دو شرط دریافت به میزان تلاش مشاغل و توزیع به نفع پائین‌ترین طبقات مورد پذیرش می‌داند. از سوی دیگر شهید مطهری نظام توزیع در سه مرحله توزیع برابر امکانات اولیه، توزیع متناسب با استحقاق افراد در درآمد بوجود آمده و بازتوزیع دارائی‌ها به منظور ایجاد توازن اجتماعی را مطرح نموده‌اند.

فردینی بودن ذات عدالت، توزیع مساوی امکانات اولیه، توزیع به میزان استحقاق افراد و توجه به طبقه ضعیف جامعه از مهمترین نقاط تشابه و منشأ مشروعیت عدالت، نقش بازتوزیع اقتصادی و نیز مفهوم آزادی‌ها از مهمترین نقاط تمایز در بین دیدگاه‌های این دو متفکر معاصر می‌باشد.

در خاتمه بایست ذکر گردد که راولز به حق یکی از بزرگترین فیلسوفان و نظریه پردازان سیاسی قرن بیستم بوده که تلاش‌هایش بر مبنای اصول لیبرالیسم صورت گرفته است. این در حالی است که شهید مطهری یک متفکر اسلامی بوده و با استفاده از منابع فقهی و قرآنی در باب عدالت توزیعی به بحث پرداخته است. از اینرو قوت نظرات ایشان فارغ از توانائی‌های کم‌نظیر شخصی خود استاد، از آب‌شخور غنی معارف اسلامی نشأت گرفته است.

یادداشت‌ها

1. normative economics
2. John Rawls
3. Brian Barry
4. libertinism
5. contractarianism
6. utilitarianism
7. Nozick
8. Harsanyi
9. Hayek
10. Friedman
11. James Konow
12. wealth maximization
13. envy free
14. Kahneman
15. Knetsch
16. Thaler
17. Walzer
18. blame free
19. original position
20. veil of ingnorance
21. difference principle

۲۲. البته اگر آن شیء از قبل صاحبی نداشته باشد و یا توافقی با صاحب آن انجام شده باشد و الا فرد مستحق اجرت می‌شود (نگارنده).

23. Allocative Justice

کتابنامه

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۴)، «نقد نظریه عدالت جان رالز»، کتاب نقد، فصل زمستان، ش ۳۷.
- اصغری، محمود (۱۳۸۱)، «مساله عدالت در آراء جان رالز و شهید مطهری»، فصلنامه اندیشه حوزه، ش ۳۷.
- افروغ، عماد (۱۳۸۲)، «بررسی و نقد دیدگاه جان راولز درباره عدالت»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۶، ش ۲۳.
- توسلی، حسین (۱۳۷۶)، «مبانی عدالت در نظریه جان راولز»، فصلنامه نقد و نظر، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۳، ش ۳ و ۲.

خاندوزی، سید احسان (۱۳۸۷)، «نقد رویکرد مطلوبیت‌گرایان به عدالت اقتصادی»، مجموعه مقالات توسعه مبتنی بر عدالت، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع) و معاونت امور اقتصادی دارائی، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

دادگر، یداله و پاسبانی صومعه، ابوالفضل (۱۳۸۳)، «مقایسه متغیر کانونی در نظریه‌های عدالت آمارتیا سن، جان رالز و سید محمدباقر صدر»، فصلنامه اقتصاد و جامعه، س ۱، ش ۲. همو و آرمان مهر، محمدرضا (۱۳۸۸)، «بررسی و نقد مبانی معیار عدالت اقتصادی رالز»، پژوهشنامه علوم اقتصادی دانشگاه مازنداران، س ۹، ش ۲ (پیاپی ۳۵). راولز، جان (۱۳۸۳)، عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.

صیادنژاد، علی (۱۳۸۵)، «عدالت و جایگاه آن در اسلام از دیدگاه شهید مطهری(ره)»، نشریه دانش پژوهان، دانشگاه مفید، ش ۸.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۴)، عدالت و کارائی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چ ۱.

غرایان زندی، داود (۱۳۸۱)، «نظریه عدالت به مثابه انصاف جان راولز: نظریه‌ای جهان شمول یا لیبرالی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۸۵ و ۱۸۶.

قلیچ، وهاب (۱۳۸۹)، دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

مرامی، علیرضا (۱۳۷۸)، بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت (از دیدگاه مطهری، شریعتی و سید قطب)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، اسلام و مقتضیات زمان، قم: انتشارات صدرا، چ ۱.

همو (۱۳۶۹)، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا، چ ۶.

همو (۱۳۸۲-الف)، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا، چ ۱۹.

همو (۱۳۸۲-ب)، آزادی معنوی، تهران: انتشارات صدرا، چ ۲۵.

همو (۱۴۲۰-ق)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات حکمت.

مگی، برایان (۱۳۷۴)، مردان اندیشه: پدیدآورندگان فلسفه معاصر، ترجمه عزت‌اله فولادوند، تهران: انتشارات طرح نو، چ ۱.

واعظی، احمد (۱۳۸۴)، جان راولز: از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، قم: بوستان کتاب.

Bojer, H. (2003), *Distributional Justice*, New York: Routledge.

Hochman & Brosio (1998), *Economic justice*, Edward Elgar Publishing.

Konow, James (2003), "A Positive Analysis of Justice Theories", *journal of Economic literature*.

